

سید محمد صفی

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی

گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان، و کویت

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

۱۳۸۴

صحفی، محمد، ۱۳۳۶ -

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی: گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان و کویت / محمد صحفی. -- تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۴. ۲۱۶ ص: مصور.

ISBN: 964-6757-85-5

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. مطبوعات -- کشورهای عربی -- تحقیق. ۲. مطبوعات -- اردن -- تحقیق. ۳. مطبوعات -- لبنان -- تحقیق. ۴. مطبوعات -- کویت -- تحقیق. الف، ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ب. عنوان. ج. عنوان گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان و کویت.

۰۷۷/۱۷۵۹۳۷

PN ۵۷۵۸ / ۳س

۱۱۳۰ - ۸۲

کتابخانه ملی ایران



مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی

گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان و کویت

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات

ISBN 964-6757-85-5

شابک ۹۶۲ - ۶۷۵۷ - ۸۵ - ۵

تهران: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوم، شماره ۱۳

تلفن: ۸۷۳۳۰۶، ۸۷۳۰۴۱۳

درون‌نویس: ۸۷۳۰۴۷۷

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

دییاجه ۱۱

فصل اول. وضعیت اجتماعی - فرهنگی و موقعیت مطبوعات

اردن ۲۵

لبنان ۴۷

کویت ۶۹

فصل دوم. دیدارها و گفت‌وگوها

دیار اصحاب کهف ۸۵

سرزمین زیتون و روزنامه ۱۱۵

از افق خلیج فارس ۱۵۳

فصل سوم. پیوست‌ها

ره‌آورد سفر ۱۹۱

گفت‌وگو با روزنامه‌الانباء ۱۹۵

فصل چهارم. تصاویر

تصاویر دیدارها ۲۰۱

تصاویر برخی از روزنامه‌ها ۲۰۹

پیش‌گفتار

جهان امروز، جهان ارتباطات است. اگر این گزاره را بپذیریم، آن‌گاه، نماد واقعی این جهان "رسانه" خواهد بود. رسانه‌ای که می‌تواند در مقیاس جهانی تأثیراتی اعجاب‌آور بر مخاطبان بگذارد، واقعیت را به گونه‌ای نشان دهد که خود می‌خواهد و مفاهیم را به سبکی جدید تعریف و بازتولید نماید. به نظر می‌رسد اهمیت "رسانه" در همین ویژگی بازتولید و گستره و عمق نفوذ و اثرگذاری آن باشد، والا اگر نقش "رسانه" تنها به انعکاس واقعیت‌ها محدود بود، حداقل در حوزه سیاست، دارای اهمیت امروز نبود.

البته تأکید بر این نکته نیز ضروری است که مخاطب در همین جهان مغلوب رسانه‌ها، منفعل و درمانده نیست بلکه سعی می‌کند از دریافت پیام‌های متعدد، واقعیت صحیح را تشخیص دهد. با این حال، باید اذعان کرد مخاطب، حتی همین پیام‌های متعدد و متفاوت را نیز از "رسانه" دریافت می‌دارد.

در حال اهمیت رسانه، به عنوان واقعیتی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان امروز هیچ‌گونه تردیدی برجای نمی‌گذارد که مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور به‌طور مداوم، جایگاه رسانه‌های کشور را در افکار عمومی و دستگاه‌های دولتی در سطح ملی و همچنین در قیاس با فراز و فرودهای رسانه‌های منطقه‌ای و حتی جهانی از منظر پیشرفت، تأثیرگذاری و جایگاه آن‌ها بر نهاد سیاست و افکار عمومی بررسی نمایند.

هیأت نظارت بر مطبوعات به عنوان عالی ترین نهاد تصمیم گیری و تأثیرگذاری بر بخشی از رسانه های کشور یعنی مطبوعات از چندین سال پیش در صدد شناخت صحیح از رسانه های خارجی با تأکید بر مطبوعات بوده است. با توجه به تدوین قانون جامع رسانه ها و مشکلات قانونی و اجرایی موجود، لزوم آشنایی اعضای هیأت با فرآیند تدوین قوانین مطبوعاتی و فعالیت های اصحاب مطبوعات در کشورهای منطقه و زمینه سازی برقراری ارتباط مؤثر و مداوم مدیران و روزنامه نگاران کشورمان با هم تایان خود در کشورهای اسلامی و ضرورت ایجاد و ارتقای سطح روابط فرهنگی با توجه به تمایل بسیار زیادی که از جانب روزنامه نگاران کشورهای اردن، لبنان و کویت، ابراز شده بود و لزوم اتحاد و هماهنگی رسانه های کشورهای اسلامی در مقابل جریان یک سوئیة اطلاعات کشورهای پیشرفته، هیأت نظارت بر مطبوعات، با پیشنهاد معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر انجام سفرهای تحقیقی - پژوهشی، این برنامه به موقع اجرا گذاشته شد. پس از بحث و تبادل نظر درخصوص مقصد، مدت و چگونگی سفر، مقرر شد که هیأت نظارت طی دو سفر جداگانه به کشورهای عربی - اسلامی و کشورهای آسیای شرقی مجموعه اطلاعات خود را در زمینه های مورد نظر کامل نماید.

پیشنهاد اول، سفر به کشورهای عربی - اسلامی بود که به تصویب رسید و از میان کشورهای مذکور، کشورهای مصر، لبنان، اردن و کویت انتخاب شدند. اما سفارت مصر به دلایلی از صدور ویزا امتناع ورزید، بنابراین سفر به مصر میسر نگردید. دومین سفر هیأت نیز قرار شد که در یک فاصله زمانی مناسب، بازدید از چند کشور در حوزه شرق آسیا از جمله هند، چین، مالزی و اندونزی پیش بینی شود.

سفر اعضای هیأت به کشورهای اسلامی - عربی (اردن، لبنان و کویت) از

پیش‌گفتار ۹

بعد از ظهر روز جمعه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۲ آغاز شد و پایان سفر نیز صبح روز سه‌شنبه ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ بوده است. سفر در مجموع ۱۱ روز طول کشید و اعضای هیأت، یک روز در سوریه، چهار روز در اردن، سه روز در لبنان و سه روز در کویت اقامت داشته‌اند.

www.ketab.ir

دیباچه

مطبوعات در کشور ما سابقه‌ای ۱۷۰ ساله دارد. با این حال موضوع و کیفیت مطبوعات و آزادی قلم و بیان در ایران همچنان محل چالش و گفت‌وگوی جریان‌های سیاسی و دیدگاه‌های مختلف فرهنگی است. این گفت‌وگوها وقتی در دورن نظام جمهوری اسلامی جریان دارد ابعادی برجسته می‌یابد، به گونه‌ای که مقوله مطبوعات و نگرش به موضوع آزادی مطبوعات، قلم و بیان به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد مناقشه و ارزش‌گذاری میان جریان‌ها، تشکل‌ها و نحله‌های مختلف فکری مطرح است.

هستی و حیات مطبوعات در کشور، همچنین از منظر چیرگی گفتمان حقوق بشری در خاورمیانه پس از پایان دوران جنگ سرد و فروپاشی امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی و فروریختن سنگرهای آن در شرق، غرب، خاورمیانه و نیز شکل‌گیری دورانی که از آن به انفجار اطلاعات یا انقلاب اطلاعات و ارتباطات نام برده می‌شود و هر روز ابعاد تکنولوژیک تازه‌تری می‌یابد قابل توجه و ارزیابی است.

در این روند باید تحولات سیاسی اخیر و تغییرات اجتماعی، فرهنگی در منطقه از جمله برچیده شدن بساط طالبان در افغانستان و حزب بعث در عراق و پیگیری مصراة جهانی سازی و صدور اجباری مفاهیم دموکراسی و آزادی با

قرائت آمریکایی را اضافه کرد؛ دامنه چنین اصلاحاتی اکنون دامن برخی نظام‌های سنتی و تحت نفوذ آمریکا را نیز گرفته است.

در این میان چرایی توسعه‌نیافتگی مطبوعات ما، مباحثه و مناقشه دائمی بر سر میزان آزادی قلم، حدود و ثغور آن و تفسیرهای بعضاً متناقض از قانون اساسی و قانون مطبوعات، صاحب‌نظران داخلی و ناظران خارجی را به تأمل واداشته است؛ نخستین پرسش این است که نظام اسلامی با شعارهای مردم‌سالارانه مبتنی بر اندیشه‌های دینی خود و نیز شگفتی‌آفرینی‌های پی‌درپی که نگاه دنیا را به خود جلب کرده و نمونه کشورهای اسلامی به‌ویژه منطقه بوده و دارای ریشه‌های عمیق فرهنگی نیز هست، چرا از مقوله آزادی مطبوعات و قلم به‌عنوان یکی از نقاط قوت خود چنان که شایسته است پاسداری نمی‌کند و برای برطرف کردن ناهماهنگی‌های اجرایی، اصلاح موازین حقوقی، قانونی و در اصل پدید آوردن اجماع در میان نخبگان و رهبران فکری تلاش نمی‌کند؟ به‌گونه‌ای که نگاه به این موضوع و انتخاب شیوه‌ها همواره، به‌ویژه در دهه اخیر از منظر بهره‌برداری‌های حزبی، جناحی و یا کشمکش‌های سیاسی و فرهنگی بوده است.

علاوه بر این پرسش‌های حقوقی در خصوص کارآمدی نظام اخذ مجوز انتشار نشریه، صدور احکام توقیف مطبوعات قبل از تشکیل دادگاه و بدون در نظر گرفتن محدوده زمانی برای توقیف، مجازات حبس برای مدیران مطبوعات و روزنامه‌نگاران به‌خاطر جرائم مطبوعاتی، به درازا کشیدن اخذ مجوز انتشار نشریه تا ۱۵ برابر زمان پیش‌بینی شده در قانون مطبوعات و یا فلسفه اعمال محدودیت جغرافیایی برای توزیع برخی نشریات از جمله مسائلی است که در طول سالیان گذشته بدون پاسخ مانده و موجب ابهام در تلقی مفهوم آزادی و تضمین‌های لازم برای تداوم و توسعه آن شده است.

اگرچه مفهوم آزادی همواره همزادی به‌نام "قانون" دارد که ممکن است نوعی محدودیت را القا کند؛ ولی "آزادی و برابری" چیزهایی نیستند که گفتمان

انقلاب اسلامی در مقابل دچار انفعال شده باشد. فراموش نکرده‌ایم که معجزه قرن با تکیه بر همین اصول و با به‌کارگیری صحیح رسانه‌ها و رهبری معنوی خود در بهمن ۵۷ در ایران رخ داد. در مرتبه حقوقی نیز مفهوم کثرت‌گرایی که ویژگی اصلی جامعه اطلاعاتی جدید است در مفاهیم پایه‌ای قانون اساسی ایران قابل مشاهده می‌باشد.

حوزه‌های گوناگون تمدن، تکثر را به صورت‌های گوناگون تحمل و تدبیر می‌کنند. مراکز قدرت در حوزه سیاست و در سطح بین‌المللی متعدد و بازیگران آن در سطح جهانی دارای تنوع هستند. در عرصه اقتصادی، تولید نامتمرکز شده و راه را بر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان متعدد باز کرده است و کار بر پایه اشتراک در تولید صورت می‌گیرد؛ تشکیل بازارهای مشترک در اروپا و شرق از این نمونه‌اند. در فرهنگ هم، هنجارهای غیرغربی به سبب مفهوم رواج چندفرهنگی اهمیت بیش‌تری یافته است. از سوی دیگر جهانی شدن در ذات خود به گونه‌ای تجددخواهی را متزلزل ساخته است و به مردم امکان داده تا راه‌ها و شیوه‌های یافتن حقیقت را تجربه کنند و امکان به چالش کشیدن ساختار فکری مبتنی بر قرائت تجددمحور از واقعیت‌ها را پدید آورند.

حوزه تمدن ایران اسلامی نیز از این قلمرو خارج نیست و در هر سطحی پاسخ ویژه خود را دارد چرا که شیوه انقلاب اسلامی یافتن راه‌حل‌های اساسی برای پیچیده‌ترین مسائل مربوط به اداره جامعه در دنیای پرتحول کنونی آن هم براساس جهان‌بینی خاص خود و منطبق بر معیارهای هویتی خویش است. استفاده صحیح از وسایل مدرن ارتباط جمعی همچون رادیو و تلویزیون، موسیقی، سینما، تئاتر و سایر هنرها حتی تابوشکنی‌هایی مثل شطرنج و... پاسخ‌هایی است که پس از برعهده گرفتن مدیریت جامعه توسط مرجعیت دینی به نیازهای روزافزون شهروندان داده شد.

مطبوعات آزاد، آزادی قلم و بیان و به رسمیت شناختن شدن حق ابراز

عقیده، انتقاد، لغو سانسور و در نظر گرفتن شأن ویژه "رکن چهارم مردم سالاری" برای رسانه‌های مکتوب، به عنوان نیرو و ابزار کنترل و نظارت برای رفتار بازیگران اصلی قوای سه گانه از دیگر محصولات انقلاب به شمار می‌رود. محصولی که به عنوان پاسخی آشکار به نیازهای جامعه به شمار آمده و مرز بین جوامع آزاد و حکومت‌های برآمده از مردم با جوامع بسته و حکومت‌های سرکوبگر و اقتدارگرا به حساب می‌آید.

اگرچه موضوع گردش آزاد اطلاعات و اطلاع‌رسانی، بسط آزادی مطبوعات و سایر آزادی‌های مشروع مدنی در کشور ما مورد اشاره قانون اساسی قرار گرفته ولی در طول بیش از یک ربع قرن دستخوش تغییر و تحولاتی هم بوده است. برخی از فوازاها و فرودها ادوار خاصی را پدید آورده که مقاطعی از آن را نسبت به سایر مقاطع ممتاز و برجسته می‌نماید.

اگر سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی را که به "بهار آزادی" معروف است، معرّف آغاز دوره‌ای تجربی برای ظهور و بروز استعداد روزنامه‌نگاری از بند رسته تعریف کنیم، گراف نیست که این سال‌ها را فرصتی تاریخی برای محک زدن ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای بهره‌برداری از آزادی به دست آمده از انقلاب اسلامی و تمرین دموکراسی بشناسیم. در این مناسبت که طی سال‌های (۵۷-۶۰) به منصف ظهور رسید، ویژگی‌هایی نظیر حذف نظام اخذ مجوز برای انتشار مطبوعات و کارکرد مطبوعات به عنوان ابزاری سیاسی و تشکیلاتی برای هویت بخشی انقلابی قابل احصاء است.

در این دوره لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب (۲۰ مرداد ۵۸) حاکم بود و طی آن همه احزاب، گروه‌ها و حتی سازمان‌های چریکی که پیش از این به صورت زیرزمینی و با مشی مبارزه مسلحانه فعالیت می‌کردند به سوی استفاده از ابزار رسانه‌ای برای نشر افکار، عقاید و ایجاد پستوانه‌ای مردمی برای خویش و متشکل کردن افشار اجتماعی روی آوردند، همچنین مطبوعات متعلق

به بخش عمومی که از قبل فعالیت داشتند (روزنامه‌های کیهان و اطلاعات) با استفاده مطلوب از فضای به وجود آمده، تیراژ بالا و نفوذ بسیاری یافتند. در همین دوره بود که روزنامه‌خوانی رواج یافت و مرجع بودن روزنامه‌ها در انتقال اطلاعات و بی‌نیازی مخاطبین به اخبار واصله از شبکه‌های جهانی بیش از هر زمان دیگر حس می‌شد.

روزنامه‌نگاری در عصری که گذشت با ضعف‌ها و سستی‌هایی نیز همراه بود که دلیل این ناکارایی را می‌توان در فقدان نیروهای حرفه‌ای کافی برای مطبوعات و انحصار ادبیات، فرهنگ و هنر آن دوران توسط جریان چپ لائیک خلاصه کرد.

روزنامه‌نگاری تجربی این دوره به دلیل رویارویی سیاسی، نظامی برخی گروه‌های فعال با حکومت و تأثیرپذیری برخی از آنان از شبکه‌های هدایت‌گر خارجی و نیز الزامات زمان جنگ و دفاع مقدس مردم و نیروهای مسلح در برابر تجاوز نیروهای نظامی دشمن سبب اعمال محدودیت‌هایی برای فعالیت مطبوعات گردید.

دوره دیگری که در پی انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهوری پدیدار گشت و در فرآیند توسعه کشور درخشندگی خاصی یافت، دورانی است که با تحولات اجتماعی و فرهنگی و افزایش ناگهانی درخواست مجوز انتشار روزنامه‌ها و نشریات جدید همراه بود و مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی کمی و کیفی آن افزایش انفجاری عناوین و شمارگان مطبوعات، اشتیاق وسیع مردم به مطالعه روزنامه‌ها و نقش‌آفرینی ویژه مطبوعات به عنوان موتور محرکه تحولات اجتماعی و فرهنگی قابل توجه است. به علاوه فعال شدن تشکلات مدنی و تأسیس انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای و کسب اعتبار ویژه روزنامه‌نگاران به عنوان گروه مرجع از مصادیق اوج‌گیری روند توسعه سیاسی، اجتماعی شمرده می‌شود.

در دوره اخیر اگرچه مطبوعات به دلیل جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی و نیروهای مذهبی و با انگیزه دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی در بدنه خود و ارتقای کیفیت و استفاده حرفه‌ای از تکنیک‌های ژورنالیستی توانستند دامنه اثرگذاری و موج‌آفرینی خود را وسعت بخشند؛ ولی به دلیل سرعت غیرقابل قبول، افزایش مطالبات غیرقابل حصول، ساختارشکنی‌های غیرمعقول، موقعیتی شکل گرفت که از آن به سيطرة سیاست‌زدگی مخرب بر مطبوعات و برعهده گرفتن کارکرد حزبی در فقدان احزاب تعبیر شد و عکس‌العمل‌های شدیدی، توقیف کوتاه‌مدت و بلندمدت شماری از مطبوعات را در پی داشت.

وضعیت مذکور شاید با بردباری و مسئولیت‌شناسی بیش‌تر از سوی نقش‌آفرینان این عرصه قبل از ورود به مرحله بحرانی کنترل و مدیریت می‌شد، ولی دوقطبی شدن افراطی گرایش‌های سیاسی و نادیده گرفتن آثار و تبعات درازمدت اقدام‌های فراقانونی نتایج طبیعی خود که همانا کاهش مقبولیت و احتمال آسیب‌هایی به جایگاه نظام فرهنگی را بر جای گذاشت.

در دوره‌های مورد اشاره، از مصوبه شورای انقلاب (مصوب سال ۱۳۵۸) تا قانون مطبوعات، دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی در روند توسعه مطبوعات کشور مؤثر بوده‌اند.

مجلس شورای اسلامی، دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قوه قضاییه، هیأت نظارت بر مطبوعات و هیأت منصفه دادگاه مطبوعات و در موارد خاص بنا به ضرورت، مقام معظم رهبری راهبردهایی را عنوان کرده‌اند که از جمله می‌توان به مرقومه ایشان خطاب به مجلس شورای اسلامی (دوره ششم) و به هنگام بررسی طرح اصلاح قانون مطبوعات اشاره کرد.

هریک از نهادهای پیش‌گفته با نوع تشخیص خود و شناخت موقعیت کار مطبوعات و احساس وظیفه در امور مطبوعات دخالت داشته و اثرگذار بوده‌اند. گاهی این نقش‌بیش‌تر به هیأت نظارت سپرده شده و نگاه‌ها متوجه دیدگاه و

تصمیم‌گیری این هیأت بوده و همگان به این نهاد به عنوان تنها مرجع تصمیم‌گیری در باب مطبوعات می‌نگریسته‌اند؛ در زمانی دیگر قوه قضاییه از طریق فعال کردن دادگستری‌ها و تشکیل محاکم علنی برای رسیدگی به تخلفات مطبوعات جایگاهی ویژه و درخور توجه یافته است به گونه‌ای که تشخیص‌های مدعی‌العموم، نظریات هیأت منصفه و صدور احکام توقیف مطبوعات و یا حبس مدیران مسئول و روزنامه‌نگاران بحث‌های بسیاری را دامن زده و موجب طرح دیدگاه‌های مختلف، چالش گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی و حتی اعلام موضع نهادهای بین‌المللی راجع به این برخوردها شده است.

در بعضی مقاطع نیز ترکیب اعضای هیأت منصفه برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و فلسفه وجودی این هیأت به عنوان نهادی برای حل و فصل منازعه نقطه ثقل این مسأله شده و تمامی نگاه‌ها متوجه چگونگی ایفای نقش هیأت منصفه به عنوان "وجدان بیدار اجتماعی" فارغ از گرایش‌های سیاسی و فکری اعضای آن بوده است. جایگاه هیأت منصفه چنان دارای اهمیت بود که در ماه‌های پایانی مجلس ششم، قانون جدیدی برای تشکیل هیأت منصفه به روش انتخابی و آزاد به تصویب رسید.

در مقاطعی نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق موضع‌گیری‌های رسمی، صدور اطلاعیه‌ها و بسیج افکار عمومی برای صیانت از اصل آزادی بیان، حقوق مطبوعات و ایجاد فضای مطمئن برای گردش آزاد اطلاعات در کانون توجهات قرار گرفته و این وزارت به دلیل دفاع سرسختانه از اصول قانونی و حقوق شهروندان، از سوی سایر دستگاه‌ها اتهاماتی را پذیرا گشته و برخی مدیران به دلایل مختلف روانه دادگاه‌ها شده‌اند.

در میان تمامی نهادها و مؤلفه‌های اثرگذار بر حیات مطبوعات، رویکردهای توسعه‌ای و باز یا نگاه‌های تنگ‌نظرانه و سخت‌گیرانه توسط هیأت نظارت بر مطبوعات نقش به‌سزایی در بازشناسی نقش این هیأت داشته است. این نکته

را نمی‌توان نادیده گرفت که حضور فعال و نقش هیأت در هیچ دوره‌ای مستقل از جریان‌های فکری قابل‌ارزیابی نبوده بلکه نقش آن در دوره‌های مختلف با توجه به ترکیب اعضا و برآیند گرایش‌های غالب بر آن و نیز فضای سیاسی حاکم بر کشور و سطح و شدت مطالبات مراکز قدرت یا تشکلهای مدنی، رفتارهایی متفاوت و یا بعضاً متناقض بوده است.

در بررسی نقش "هیأت نظارت بر مطبوعات"، دوره‌های تاریخی آن و نیز رفتارشناسی آن دو رویکرد قابل توجه است:

الف. رویکرد گفتمانی

وجود عنوان نمایندگی درخصوص هریک از اعضای هیأت در دوره‌های گذشته کم‌تر به‌عنوان داشتن صندلی نمایندگی در هیأت نظارت از سوی ارگان‌ها و نهادهای مختلف حاکمیت و حضور نمایندۀ هر دستگاه و نهادی به‌عنوان رابطی برای انتقال نقطه‌نظرات، دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های خاص آن نهاد تلقی شده است، بلکه اشخاص گردآمده در این هیأت براساس سوابق، استنتاجات منطقی خویش که متکی بر تجربیات شخصی بوده، یا اطلاعات درون‌گروهی و یا نسبت آن‌ها با جریان‌های فکری به اتخاذ تصمیم پرداخته‌اند. بنابراین هریک از اعضا به اندازه‌ای که با نظام فرهنگی کشور، ساختار اجرایی حکومت، تاریخ مطبوعات، مقولۀ حقوق بشر و آزادی بیان، قانون مطبوعات و مطالبات ا فشار فرهنگی و روزنامه‌نگاران آشنا بوده و بدان ملتزم بوده‌اند و یا برای اداره جامعه و پاسخ گفتن به نیازهای فکری و فرهنگی احساس مسئولیت می‌کرده‌اند، ایقاي نقش نموده و عملکرد هیأت را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. البته بدیهی است نمایندگان هریک از قوا و یا نهادها به اعتبار داشتن عنوان نمایندگی ناگزیر به انتقال دیدگاه‌ها، نقطه‌نظرات و خط‌مشی‌های تعیین‌شده بوده و یا وظیفۀ انتقال حساسیت‌ها و نقطه‌نظرات دستگاه مربوط به هیأت را بر دوش احساس می‌کرده‌اند؛ با وجود این چنین وضعیتی برای همه نمایندگی‌ها ثابت نبوده و

ترتیبات رسمی و استاندارد شده‌ای نداشته است. به‌طور مثال نمایندۀ قوه مقننه و یا نماینده مدیران مسؤول مطبوعات کشور که هر دو براساس برگزاری انتخابات برگزیده و معرفی می‌شوند؛ پس از انتخاب رابطه منظم و تعامل دائمی با رأی‌دهندگان خود باید ناگزیر به ارائه گزارش مستمر کار و یا مجبور به پاسخگویی در قبال عملکرد خود و هیأت باشند. چنین نمایندگانی طبعاً ابتدا توسط برگزیدگان خود موردپسند واقع می‌شوند و پس از کسب رأی و گرفتن عنوان عضویت در "هیأت" براساس سلايق، وابستگی‌های فکری، گرایش‌های سیاسی، فرهنگی و یا در جایگاه نمایندگی یکی از جریان‌های مارک‌دار فکری عمل کرده و تصمیم می‌گیرد.

در شناسایی روند جاری تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در "هیأت نظارت بر مطبوعات" می‌توان به غلبۀ برخی نگرش‌ها به‌دلیل انجام محاسبات ویژه، ملاحظه‌کاری و محافظه‌کاری نیز اشاره کرد چنین رویکردهایی معمولاً در شکل‌گیری قطب‌بندی‌های فکری، فرهنگی و سیاسی قابل مشاهده است. این شیوه زمانی که یکی از اعضا امکان می‌یابد به‌دلیل داشتن نمایندگی از یکی از مراکز مؤثر قدرت، پیشینۀ اجرایی و یا منطق خود تصمیمی را به کرسی نشاندۀ و یا سایرین را خاموش ساخته و یا وادار به تمکین نماید قابل شناسایی است. همچنین می‌توان به میزان نظرات اجماعی و یا اختلافی، مقدار هماهنگی، همفکری‌ها و ناهماهنگی‌ها و یا قبول روش‌ها و شیوه‌های اجرایی کار در هیأت به‌عنوان مؤلفه‌های تبیین روند جاری نظر کرد.

در چنین شرایطی گونه‌های نظری مختلفی با تعریف عملیاتی در هیأت قابل شناسایی است:

گونه‌ای که دارای نگاه توسعه‌ای است، تکثر و تنوع را شرط لازم برای توسعه همه‌جانبه کشور می‌داند، از بالا رفتن تعداد عناوین و تیراژ روزنامه‌ها و نشریات نگران نیست و همه نحلۀهای فکری درون نظام را دارای حقوق برابر برای

فعالیت رسانه‌ای می‌شناسد، به حقوق مصرح در قانون اساسی و قانون مطبوعات پایبند است و نظارت را نه به شیوهٔ مکتب‌خانه‌ای بلکه به‌عنوان امری ضروری و مبتنی بر سیستم خودکنترلی و نظارت خود صنف مؤثر می‌شناسد. چنین رویکردی را در دورهٔ نهم هیأت به‌طور ملموس‌تری می‌توان مشاهده کرد. گونه‌ای که توسعهٔ مطبوعات به شکل کنونی را غیر ضروری می‌داند؛ الزام قانونی مصرح در قانون مطبوعات مبنی بر رسیدگی به پروندهٔ متقاضیان در مدت قانونی سه ماه را جدی تلقی نکرده و در قبال آن احساس مسئولیت چندانی نمی‌کند، خواستار تقویت بخش نظارتی هیأت بوده و به‌طور غیررسمی خواستار جانشینی برخورد با مطبوعات توسط این هیأت به‌جای دادگستری‌ها است. نگاه تبعیض‌آمیز در اعطای امتیاز انتشار نشریه به برخی و عدم اعطای آن به برخی دیگر را امر طبیعی بلکه لازم به‌شمار می‌آورد و نیازی به پاسخگویی در مورد چرایی رواداشتن چنین تبعیضی نمی‌بیند.

گونهٔ دیگری نیز در رفتارشناسی هیأت قابل‌بازشناسی است و آن روا داشتن نرمش برای متقاضیان نشریات علمی، پژوهشی، دانشگاهی و خارج کردن آن از صف انتظار سه تا چهار ساله است. تمایل این گونهٔ فکری بر این است که عملکرد هیأت را می‌توان با افزایش تعداد عطای امتیاز به فصلنامه‌ها و نشریات تخصصی مواجه کرد. نتیجهٔ عملی چنین سیاستی آن است که رسیدگی به پروندهٔ متقاضیان انتشار روزنامه، هفته‌نامه و یا ماهنامه به‌طور مستمر به تعویق می‌افتد.

ب. رویکرد آماری

علاوه بر رویکرد گفت‌وگویی از منظر دیگری نیز می‌توان به مشاهدهٔ نقش و اهمیت کار هیأت و بازنگری نقش آن در روند توسعهٔ مطبوعات نگریست و آن نگاه آماری به عملکرد هیأت است. نگاه آماری نشان می‌دهد حضور اعضا در جلسات هیأت، ساعات و تعداد جلسات برگزار شده چه میزان است؟ وقت

هیأت در این جلسات چگونه و بر سر چه مسائلی سپری شده؟ خروجی جلسات هیأت از نظر عملیات واقعی مشتمل بر تعداد موافقت یا مخالفت با درخواست انتشار نشریات جدید، لغو مجوز نشریات، اخذ تصمیمات نظارتی اعم از تذکر، اخطار، توقیف و ارجاع به دادگاه چه میزان بوده است؟ دغدغه‌های هریک از اعضا در جلسات هیأت چه بوده است، نمودار آرای اخذشده در مورد پرونده‌های متقاضیان به‌طور مقایسه‌ای در دوره‌های مختلف چه سیری طی کرده و دلایل آن چیست؟

معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با درک اهمیت و نقش هیأت نظارت بر مطبوعات و جایگاه خاص آن در به‌کارگیری ظرفیت‌های قانون اساسی و قانون مطبوعات به‌منظور پیشبرد اهداف توسعه‌ای مطبوعات تدابیری را برای پذیرش نقش فعالانه و افزایش عملکرد هیأت مدنظر قرار داد. در این راه نخستین مانع بر سر راه توسعه همکاری هیأت، دور بودن آراء، اندیشه‌ها و برداشت‌های برخی از اعضای هیأت از یکدیگر و وجود راهکارهای متفرق برای انجام وظیفه هیأت بود که این امر طبعاً به سوابق مطالعاتی و تجربی افراد، میزان شناخت آن‌ها نسبت به تحولات فکری و فرهنگی جهان معاصر و جامعه کنونی ایران، شناخت نیازها و نحوه پاسخگویی به آن برمی‌گردد.

پس باید فرصتی فراهم می‌شد تا در ابتدا اعضا نسبت به یکدیگر شناخت بیش‌تری پیدا کنند و در فضایی صمیمانه و برادرانه به بحث و گفت‌وگو پیرامون مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی و مطبوعاتی بپردازند و بدین ترتیب دیدگاه‌ها را به هم نزدیک سازند و دیگر این‌که در مواجهه و دیدار با حقوق‌دانان، اندیشمندان، روشنفکران، صاحب‌نظران و فعالان عرصه مطبوعات و نیز تشکلهای صنفی و مدنی روزنامه‌نگاری سایر کشورهای اسلامی قرار می‌گرفتند تا آخرین تجربیات کشورهای پیرامون مورد بررسی، سنجش و ارزیابی قرار گیرد و فرصتی فراهم شود تا تجربه‌ای که جمهوری اسلامی زیر عنوان قانون مطبوعات به اجرا گذاشته است، در معرض معرفی و نقد قرار گیرد.

برای تحقق این خواسته کشورهای اسلامی و عربی که دارای روزنامه‌های معروف و بانفوذی هستند و پیشینه مطبوعات این کشورها به لحاظ تأثیرگذاری در میان کشورهای عربی و جهان قابل توجه است (یعنی کشورهای لبنان، مصر و کویت) مورد بررسی قرار گرفت. ولی به‌زودی معلوم شد که مصر به‌دلیل پایین بودن سطح روابط سیاسی و وجود مشکلاتی نامعلوم آماده پذیرش نیست؛ بنابراین اردن جایگزین مصر شد و مقدمات سفر آغاز گردید و گزارش حاضر حاصل سفر هیأت اعزامی به کشورهای مورد نظر می‌باشد، از این‌رو این گزارش پژوهشی را نه می‌توان سفرنامه خواند و نه آن را یک گزارش اداری نامید. بلکه تدوین، تنظیم و مستندسازی رویدادی مهم در تاریخ مطبوعات ایران و سابقه هیأت نظارت بر مطبوعات به حساب می‌آید که امید است مورد استفاده اهل تحقیق و دانش‌پژوهان قرار گیرد.